

دریچه

توضیحات وزارت ارشاد درباره توقیف «زنان امروز»

● **ایسنا:** سخنگوی وزیر ارشاد گفت: با هر نشریه‌ای که بخواهد پدیده‌های مغایر با ارزش‌های دینی و ملی را ترویج و توجیه کرده و با عفت عمومی بازی کند، برخورد می‌شود. حسین نوش‌آبادی درباره توقیف نشریه «زنان امروز» به‌دلیل آنچه ترویج ازدواج سفید از سوی این ماهنامه عنوان شده است، گفت: در جلسه‌ای که روز گذشته در هیأت نظارت بر مطبوعات برگزار شد، نتیجه‌گیری این بود که نشریه زنان امروز، بند ۲ ماده ۴ قانون مطبوعات را مبنی بر اینکه با نشریه‌ای که پدیده‌ای مغایر با ارزش‌های دینی و ملی را ترویج و توجیه کند و عفت عمومی را مورد بازی قرار بدهد، برخورد می‌شود، رعایت نکرده است. ترویج و توجیه پدیده‌ای به نام ازدواج سفید در مقالات این نشریه مورد تأیید قرار گرفته است و به‌نوعی آن را پذیرفته یا حمایت کرده‌اند. او افزود: هرگونه دفاع و توجیه درباره پدیده ازدواج سفید، مخالفت با ارزش‌های ملی و اسلامی است. هیات نظارت بر مطبوعات هم فقط وزارت ارشاد نیست که بخواهد تصمیم جدگانه بگیرد، بلکه از همه دستگاه‌ها در این هیات حضور دارند. تشخیص وزارت ارشاد و هیات نظارت بر مطبوعات این بوده که این نشریه تخلف کرده است و به‌دنبال توجیه و حمایت از پدیده ازدواج سفید به‌عنوان پدیده‌ای خلاف اخلاق و ضوابط فرهنگ بومی و اسلامی بوده است. وی همچنین درباره تاخیر در بازرسی مطالب چاپ‌شده در «زنان امروز» و مرتبط با پدیده «ازدواج سفید» گفت: مطالبی که در نشریات چاپ می‌شوند در یک بازه زمانی دنبال می‌شوند. نباید انتظار داشت وقتی یک مطلب امروز چاپ می‌شود، فردا با آن برخورد کنیم. عرفان‌های کاذب و فرقه‌های انحرافی هم از این نوع مصادیق است. خوشبختانه ما در کشورمان از این نوع مسائل تعداد زیادی نداریم، اما حتی یک مورد آن نباید در کشوری باشد که داعیه اسلام دارد. پرونده این نشریه به دادگاه رسانه ارجاع شده و تصمیم‌گیری نهایی توسط این دادگاه خواهد بود.

نوش‌آبادی در این زمینه تصریح کرد: بررسی هر پرونده‌ای زمان می‌برد و نیازمند تحقیقات و کارشناسی‌های دقیق است. این مطلب شش ماه پیش در نشریه زنان امروز چاپ شده است.

روش حفظ اسکلت زن ۷هزارساله تهران

● **شرق:** یک متخصص نقشه‌برداری و فتوگرامتری به بیان روش حفظ اسکلت زن هفت‌هزارساله تهران که سال گذشته در حفاری‌های خیابان مولوی کشف شد، پرداخت. ضیاء دیلمی‌پور در نشست مستندنگاری اشیای تزئینات و بناهای تاریخی با استفاده از فناوری‌های نوین نقشه‌برداری گفت: امکان بهره‌مندی از داده‌ها برای رسیدن به نتیجه، بدون تماس مستقیم در هر نقطه از جهان از مهم‌ترین مزیت‌های مستندنگاری برای اندازه‌گیری و آسیب‌شناسی اثر تاریخی است.

وی افزود: استفاده از روش‌های فتوگرامتری برای مستندنگاری در گذشته و حال همواره روشی بسیار مفید بوده است. به گفته او، مستندنگاری امکان ثبت اثر در موقعیت موجود را برای همیشه فراهم می‌کند، به این صورت که پس از پایان مرحله نخست، یعنی برداشت، امکان پردازش اطلاعات هندسی آثار برداشت‌شده در هر زمان و مکان دیگر امکان‌پذیر می‌شود. دیلمی‌پور که در جمع پژوهشگران و متخصصان پژوهشکده حفاظت و مرمت پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری سخن می‌گفت، به بیان استفاده از روش اسکن لیزری برای حفظ اسکلت زن هفت هزار ساله تهران پرداخت. او افزود با انجام روش مستندنگاری می‌توانند بدون نزدیک‌شدن به اسکلت، پژوهش‌های گسترده‌ای را برای شناسایی ویژگی‌های آن انجام دهند. تلفیق روش فتوگرامتری کلاسیک با روش‌های نوین نظیر برداشت با لیزر اسکنر و تبدیل فتوگرامتری عکس‌ها کمکی بسیار مفید برای برداشت سریع با هزینه به‌مراتب کمتر است. امروزه با این روش پردازش داده‌ها برای تهیه نقشه‌های خطی، تجزیه و تحلیل آنها در امر آسیب‌شناسی و انجام مطالعات علمی و ریشه‌ای برای پی‌ریزی طرح مرمت و حفظ آثار به امری ضروری تبدیل شده است. دیلمی‌پور تصریح کرد: با استفاده از مستندنگاری می‌توان در زمانی به‌مراتب سریع‌تر و صرف هزینه‌های کمتر از جنبه به‌کارگیری نیروی انسانی، به بهترین نتایج در مورد سایت‌هایی که محدودیت‌ها و شرایط دشوار نظیر دسترسی سخت بر آنها حاکم است، دست یافت. دیلمی‌پور گفت: امکان بهره‌گیری از داده‌ها برای رسیدن به نتیجه، بدون تماس مستقیم در هر نقطه از جهان از مهم‌ترین مزیت‌های این روش برای اندازه‌گیری و آسیب‌شناسی اثر است. وی در ادامه با ارائه گزارشی از فعالیت‌های انجام‌شده با روش مستندنگاری افزود: معرفی تجهیزات به‌همراه معرفی چند پروژه انجام‌شده با استفاده از روش‌های نوین می‌تواند عامل فهم آسان‌تر به‌کارگیری از این روش‌ها شود.

زباله‌های بیمارستانی در فضای سبز اطراف پل مدیریت تخلیه شده‌اند. سوزن، لوله آزمایشگاهی و سرم؛ همه خون‌آلود و آلوده. مشخص نیست کدام بیمارستان و مرکز درمانی چند وقت یک‌بار زباله‌هایش را اینجا تخلیه می‌کند؛ جایی در نزدیکی پاتوق‌های معتادان کارتن‌خواب. کارتن‌خواب‌های زباله‌گرد هم به هوای فروش زباله‌های پلاستیکی، زباله‌های آلوده را جدا می‌کنند و می‌فروشند و این‌گونه زباله‌های آلوده وارد چرخه تولید می‌شوند و سر از خانه‌های ما درمی‌آورند. دریا نادری، از اعضای جمعیت خیریه تولد دوباره، جای تخلیه زباله‌ها را به من نشان می‌دهد و می‌گوید: بشرها (لوله‌های آزمایشگاهی) را می‌بینی؟ ما تا جایی که توانستیم جمع‌آوری کردیم، اما واقعا خطرناک است.

قرار است برویم مرجان را ببینیم که کارتن‌خواب است و مرض قند باعث شده پایش قطع شود، مرتضی که زخم‌های عمیق شیشه و قند، دارد از پا درش می‌آورد، ملیحه تازه از زندان چرکچک آزاد شده و مستقیم آمده پاتوق، میترا خنزرنریز شده با آن زیبایی هنوز خیره‌کننده و تعداد زیادی انگشتر، دستبند و النگو که نگاه آدم به آنها خیره می‌ماند و این زیورات را رد زندگی هستند بر دست‌هایش البته در پاتوقی که زندگی در آن رو به پایان است.

توقف اول

نخستین توقفمان زیر پل یکی از اتوبان‌های پرتدد تهران است، باورش سخت است که این زیر دنیایی دیگرگونه باشد. جایی که در طول روز صداها شهروند از آنجا رد می‌شوند بدون آنکه بدانند چند متر پایین‌تر زندگی زیرزمینی آدم‌هایی که تهران آنها را پس زده در جریان است. خم می‌شویم و می‌رویم داخل، هوا به عقب می‌راندم، بوی تعفن و صدای‌های خفه، آرام و درهم، آدم‌هایی که حتی سر بر نمی‌دارند غریبه‌ای را که وارد پاتوقشان شده نگاه کنند، چرچ چرچ صدای فندک‌ها تنها صدایی است که به‌وضوح شنیده می‌شود، سر برمی‌گردانم؛ جمعیتی ۴۰، ۵۰ نفری یک شکل، با پایپ، زرورق، شیشه و چرچ چرچ صدای فندک. در آن مغاک؛ میترا یک زن است و انبوهی از مردان. میترا کار می‌خواهد، می‌گوید تخصصش توالت‌شوپی است و نگهبانی توالت و سرایداری و اگر برایش کار پیدا کنیم، ترک می‌کند. پایپ را می‌گذارد روی دامنش. موهایش کوتاه و پلاتینی است، دندان در دهان ندارد، چشم‌های روشنش را سرمه کشیده و آرایش تندی به صورت دارد و در میان پنج، شش مرد زرورق‌به‌دست، شیشه دود می‌کند. دست‌های همه پاتوق‌نشینان یک شکل است، سیاه و زمخت با ناخن‌هایی کج و کوله و تورفته، تقریباً سراسگشت ندارند، از بس شب‌های سرد آتش به پا می‌کنند و زباله دود می‌کنند برای گرم‌شدن… از کارکنان خیریه قرص معده می‌خواهد و شامو، به معتادان نفری یک وعده غذا و دو نخ سیگار می‌دهند، صف می‌کشند برای گرفتن و هنوز ننشسته، بسته را باز می‌کنند و با ولع شروع به خوردن می‌کنند، ولعی که حکایت از گرسنگی دارد. فضای زیرپل خفه و دوده‌گرفته است با بوی تعفن. یکی از بچه‌های گشت می‌گوید: شهرداری می‌خواسته اینجا را برایشان خوابگاه کند. اما اداره برق به‌دلیل وجود کابل‌های فشارقوی مخالفت کرده است. معتادانی که قرص و دارو می‌خواهند می‌آیند بالا کنار ماشین و اتوبان. معتاد نه؛ بیمار، بچه‌های گشت تولد

دوباره این‌طور خطابشان می‌کنند «بچه‌ها، بیمار، بیماری.»

مرد جوان می‌آید بالا. پوست و استخوان است، چندوقت یک‌بار بطری نوشابه را از ساک ورزشی پاره‌اش درمی‌آورد و هورت می‌کشد. نگاهم به او خیره می‌ماند؛ آمده زخم‌هایش را نشان دهد. کایشن پاره‌ای را که در روزهای گرم ادریهبشت بر تنش جا خوش کرده، در می‌آورد و بعد. تیشتر مندرس را از لای استخوان‌هایش بیرون می‌کشد، با نفسی که بند می‌آید و حالت تهوعی که به آدم دست می‌دهد از دیدن زخم‌هایی که دل را ریش می‌کند. تقریباً پوست ندارد، سراسر بدنش زخم‌هایی است که زرداب چرک و خون صورتی جای جای آنها بیرون زده است و زخم‌های زیر بغلش تبدیل به حفره‌هایی عمیق شده‌اند. «ولا» گرفته، شیشه و کراک این بلا را سرش آورده است. با دست‌های شیشه‌ای زخم‌ها را می‌خاراند و به شیشه که اسیدش بالاست زخم را می‌خورد و به قول خودشان «می‌ریزدشان بیرون».

هیچ مرکز درمانی‌ای او را نمی‌پذیرد چون شناسنامه ندارد. بچه‌های گشت می‌گویند ما نمی‌توانیم برایت کاری کنیم. کارهایت را بکن، فردا پس‌فردا می‌آییم می‌بریمت بیمارستان اسلامشهر. «تنها مرکز درمانی است که بیماران بدون هویت را می‌پذیرد. می‌رود عقب‌تر می‌ایستد کنارش می‌ایستم، می‌گوید:

اگر می‌میرم تا یکی، دو ماه دیگر، پس بیمارستان نروم، بمیرم راحت شوم.» حرفی برای گفتن ندارم، دوست دارم دستم را بگذارم روی شانه‌اش و دلگرمی‌اش بدهم. بیماری که کنار من ایستاده، با نابودی فاصله‌ای ندارد.

می‌پرسم چقدر مصرف داری؟ می‌گوید زیاد نیست. چقدر؟ روزی یک گرم شیشه و نیم گرم دوا. از کجا خرجش را درمی‌آوری؟ زباله‌گردی. بیمار مسن دیگری آمده زخم‌هایش را نشان می‌دهد. زخم به‌چرک‌افاده را ضدعفونی می‌کنند و می‌بندند و چندتاییی قرص چرک‌خشک‌کن و تاکید که نخوارانیش و اگر به زخم‌ت رسیدگی نکنی، شبیه زخم‌های این می‌شود. میترا چادر مشکی بر سرکرده می‌آید؛ شلوار، شال و قرص

جامعه

بازدید از پاتوق معتادانی که در محل تخلیه زباله‌های بیمارستانی زندگی می‌کنند

پاتوقی از سرنگ و مرگ

فاطمه جمال‌پور



معده می‌گیرد. مرد جوانی از راه می‌رسد، از این گذری‌هاست؛ گذری به معتادانی می‌گویند که خانه و زندگی دارند ولی برای تهیه مواد می‌آیند پاتوق، موادشان را می‌کشند و می‌روند. از خانم نادری می‌خواهد به وضعیت مریم رسیدگی کند. خنزرنریز شده چهار، پنج ساعت چت می‌زند. می‌پرسم یعنی چی؟ خانم نادری توضیح می‌دهد یعنی همین خرده وسایلشان را هم از جلویشان جمع می‌کنند. هرچه دارند؛ فندک، سیگار، پایپ و… و چهار، پنج ساعت خیره می‌ماند به همین‌ها و نمی‌توانند کارهای معمولشان را انجام دهند.

زن جوان دیگری از راه می‌رسد. می‌ترسد با خودمان ببریمش، اما بالاخره اعتماد می‌کند کمی که می‌گذرد می‌زند زیر گریه و می‌گوید خسته شده‌ام، می‌خواهم ترک کنم و آدرس سرپناه شبانه زنان را می‌گیرد. می‌رویم به پاتوق بعدی.

توقف دوم، فرحزاد

۲۵ پله سیمانی باریک را بالا می‌رویم و بعد هم کمی پیاده‌روی. در طول مسیر بایها (چویدارها) ایستاده‌اند برای کشیک. تا اگر خبری از گشت نیروی انتظامی شد به پاتوق‌دار خبر دهند. پاتوق مناسب خود را دارد. هر پاتوق چند بپا، یک صاحب مواد، یک ترازو‌دار و یک نظم‌دهنده دارد. وارد می‌شویم جمعیتی ۳۰، ۴۰ نفری که عمدتا جوان هستند در حال مصرفند؛ دو زن و بقیه مرد. اغلب دود مصرفی‌اند؛ شیشه و دوا (هروئین). ترازو‌دار ابتدای پاتوق ایستاده. قمه نیم‌متری کنار دستش است و با کارکرد مواد را می‌گذارد روی ترازو و می‌فروشد. بسته‌های غذا به‌سرعت تمام می‌شوند. در تمام مدت حضورمان مرد جوانی در حال فرورکردن سوزون سرنگی در انگشتش است، دیگری با جاقو زمین را می‌کند. چند مرد شیک‌پوش گذری هم در حال مصرفند، با آبدانه‌ای که جلوی چشمانشان است و اما اقیون مواد نمی‌گذارد که ببینندش.

مرد جوانی از راه رسیده؛ سگی در راه پاتوق پایش را گاز گرفته، گمشش پاره شده و خون از انگشتش روان است. پسر جوان دیگری با سر شکسته آمده، بچه‌های گشت شروع می‌کنند به پاشسان و ضدعفونی زخم‌های او و دیگری که

جامعه

بازدید از پاتوق معتادانی که در محل تخلیه زباله‌های بیمارستانی زندگی می‌کنند

پایش زخم عفونت‌کرده دارد. همه خانم نادری را دوره می‌کنند، قرص می‌خواهند. پاتوق‌دار داد می‌زند بشین، بشین، آجبی بشین، داداش بشین، دریا نادری به من نهیب می‌زند که بشین، قانون پاتوق است. کنار زن جوان می‌نشینیم. کارشناس روان‌شناسی بالینی است. می‌گوید: خانم تو رو خدا برای من کار پیدا کن. من ۹ ماه پاکی دارم.

تعجب ما را که می‌بیند، می‌گوید: امروز از زندان چرکچک آزاد شده‌ام. پارسل سه گرم مواد از من گرفتند، یک سال حبس خوردم. غفور روز مادر دادند، سه ماه زودتر آزاد شدم. آدمم اینجا و بعد از اینجا می‌روم آرایشگاه. دریا می‌گوید: تو که ۹ ماه پاکی داری، چرا اینجاپی؟ اینجا چه کار می‌کنی؟

جواب می‌دهد: منتظرم برایم پایپ بیاورند. قرص‌ها توزیع می‌شود. مرد دیگری شانه و محلول شیش می‌گیرد. شانه شیش را برای اولین‌بار می‌بینم. شیه دسته تیغ است با دندان‌های ریز.

پاتوق‌دار می‌آید و قرص معده می‌خواهد. به او رانیتیدین می‌دهند. معترض می‌شود که رانیتیدین خوردم خوب نشدم. نادری به او می‌گوید: مال این شیشه‌های جدید است. اسیدش بالاست. معده و بدنتان را نابود می‌کند. در راه برگشت برایم توضیح می‌دهد که اینها حین مصرف، شیشه را می‌ریزند کف دستشان و بعد با همان دست شیشه‌ای زخم‌هایشان را می‌خاراند، شیشه بازار ایران بخش عمده‌اش اسید است، برای همین زخم‌ها را می‌خورد و تشدید می‌کند و زخم تبدیل به زولا می‌شود که بدلیل شده‌اند. چندتایی پد الکلی توزیع می‌کنند، علتش را که می‌پرسم می‌گویند:

برای ضدعفونی‌کردن پایپ‌ها. چون اینها پایپ مشترک مصرف می‌کنند و این‌طوری آفت و زخم دهان یکی‌شان در میانشان فراگیر می‌شود. دریا نادری می‌گوید در پاتوق‌ها بیماران زیادی را دیده که بیماری روانی دارند، اما نمی‌توان هیچ کاری برایشان کرد. به‌دلیل بیماری‌شان با اعضای پاتوق درگیر می‌شوند و کتک زیادی می‌خورند. می‌رویم پاتوق مدیریت و حوالی محل تخلیه زباله‌های بیمارستانی، در پاتوق بعدی چند وقت پیش دو مامور نیروی انتظامی کشته شده‌اند، اهالی پاتوق دانما در همان حوالی جا عوض می‌کنند و سلاح گرم دارند و بچه‌های گشت هم اجازه ورود به پاتوق را ندارند. پاتوق بعدی جایی میان درخت‌های اطراف اتوبان چمران است. مرجان و دوستانش نشسته‌اند. مرجان قند دارد. انگشتانش در اثر عفونت قند قطع شده‌اند. پایش زخم عفونی زرد دارد. از بچه‌های گشت بسیار گلایه می‌کند که چرا سراغش نیامده‌اند. نادری می‌گوید به ما گفته بودند تو را برده‌اند لویزان و من این روزها بیشتر پاتوق… و… می‌روم. درحالی‌که بتادین را می‌مالد روی زخمش و با محلول شستشوی صورت خارجی، زخمش را می‌شوید و رو به من می‌گوید همه را که می‌شناسی، از آن دخترچه لال که روی درخت زندگی می‌کرد، چه خبر؟ همه‌جا درباره او صحبت می‌کنند و… می‌گوید و می‌خندد، انگار دو مرجان اینجا هستند، یکی مرجان با زخم باز عفونت‌کرده و پای قطع‌شده و دیگری مرجانی که می‌گوید و می‌خندد و توی سر دوستانش می‌زند.

از او شکایت می‌کند». این اتفاق در شرایطی بود که براساس اولین گزارش سازمان نظام پزشکی از سامانه ۱۶۹۰ از ۱۵آبان، هم‌زمان با تأسیس سامانه ۱۶۹۰؛ سامانه ثبت شکایات تعرفه‌ای، تا دی‌ماه ۱۳۹۳ صدهزارتماس با کارشناسان این سامانه صورت گرفته است؛ رقم قابل‌توجهی که نشان از حجم بالای مشکلات تعرفه‌ای و دریافت‌های گاه‌وبی‌گاه زیرمیزی در نظام سلامت کشور دارد.

به نظر می‌رسد وزارت بهداشت و شخص وزیر، بیش از آنکه به دنبال پیگیری تخلفات ثبت‌شده در سامانه ۱۶۹۰ و عملکرد سازمان نظام پزشکی در این سامانه و این پدیده باشند، به فکر افکارعمومی و قرارگرفتن در این مسیر هستند. همچنین بخش دیگری از اظهارات وزیر بهداشت ناظر بر یکی از مهم‌ترین معضلات خاموش بهداشت و درمان کشور است. آنجا که قاضی‌زاده‌هاشمی می‌گوید: «عده‌ای در ابتدای اجرای این طرح، ما را حمایت کردند، اما بعد به دلیل یک محبوبیت‌طلبی که شاد، کم‌لطفی‌های خود را آغاز کردند. این افراد خود اصرار به شروع طرح تحول داشتند، اما اکنون پافشاری می‌کنند که تعرفه‌ها باید هشت‌برابر شود. این حرف‌ها، حرف‌های غیرمنطقی‌ای است و گویا این افراد خارج از مرزهای ایران زندگی می‌کنند و شرایط سخت دولت را که سال گذشته نفت را به قیمت ۱۰۸ دلار می‌فروخت و امسال زیر ۵۰ دلار می‌فروشد درک نمی‌کنند».

خبر

فرماندار تهران خبر داد تشکیل «قرارگاه مقابله با آسیب‌های اجتماعی» در تهران

● **ایسنا:** فرماندار تهران از تشکیل قرارگاه مقابله با آسیب‌های اجتماعی با حضور نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط در امر آسیب‌های اجتماعی، از اوایل خردادماه سال‌جاری خبر داد. عیسی فرهادی گفت: این قرارگاه با حضور نمایندگان تام‌الاختیار دستگاه‌های ذی‌ربط در حوزه مسائل اجتماعی، ازجمله نیروی انتظامی، بهزیستی، شهرداری و دستگاه قضائی کار خود را آغاز می‌کند و فرمانداری تهران با همکاری شهرداری که این طرح را پیشنهاد داده بود، مقدمات ایجاد این قرارگاه را فراهم کرده است. وی با بیان اینکه شهرداری تهران ساختمانی برای استقرار اعضا در نظر می‌گیرد و هزینه‌های مربوطه را نیز تأمین می‌کند، افزود: دستگاه‌هایی که در حوزه آسیب‌های اجتماعی از جمله معتادان، کارتن‌خواب‌ها، کودکان کار و متکدیان، متولی هستند، در این قرارگاه نماینده‌تام‌الاختیار خواهند داشت. همچنین بهزیستی، دانشگاه علوم پزشکی، نیروی انتظامی، دستگاه قضا و شهرداری نیز، از مهم‌ترین اعضا محسوب می‌شوند. به گفته فرماندار تهران، پس از تشکیل این قرارگاه، معتادان و متکدیان از سطح شهر جمع‌آوری و به قرارگاه آورده می‌شوند و در آنجا هر دستگاہی باید سهم خود را بپردازد و به وظایف قانونی خود عمل کند. فرهادی تأکید کرد: قرارگاه آسیب‌های اجتماعی از اوایل خردادماه، کار خود را آغاز خواهد کرد. وی فعال‌کردن کمپ‌ها را یکی از بخش‌های مهم در راستای پاکسازی چهره شهر از وجود معتادان دانست و گفت: این کمپ‌ها در حوزه شهر تهران نیستند، اما معتادان شهر تهران به آن مکان منتقل می‌شوند. برهمین‌اساس برای فعال‌شدن این کمپ‌ها همکاری‌های لازم را خواهیم داشت که برای امسال ظرفیت دو هزار نفری نگهداری معتان را در این کمپ‌ها، به‌وجود آورده‌ایم.

نام‌گذاری خیابانی به نام «حسین قندی»

● **مهر:** صبح دیروز دو فوریت نام‌گذاری خیابانی به نام استاد حسین قندی، استاد برجسته روزنامه‌نگاری که هفته‌گذشته به دیار باقی شتادت، به تصویب اکثریت اعضای شورای شهر رسید. در پی امضای درخواستی توسط جمع کثیری از روزنامه‌نگاران، خبرنگاران، شاگردان و همکاران زنده‌یاد استاد حسین قندی، در صودچهل‌وهشتمین جلسه رسمی شورای شهر تهران، دو فوریت نام‌گذاری خیابانی به نام این استاد، به تصویب اکثریت اعضا رسید و بررسی‌ها در کمیته نام‌گذاری برای انتخاب خیابان آغاز شد. مهدی چمران با اعلام این خبر گفت: قطعاً شورای شهر در راستای حفظ نام این مرد بزرگ، خیابانی را به‌نام او خواهد کرد. در ادامه جلسه، دو فوریت نام‌گذاری خیابان به تصویب اکثریت اعضای شورا رسید و بررسی‌ها در کمیته نام‌گذاری برای انتخاب خیابان آغاز شد. براساس این گزارش، همچنین در جلسه امروز شورای شهر قرار است لایحه آیین‌نامه‌توسعه ساماندهی و ارتقای کارآفرینی در شهر تهران، همچنین ممنوعیت نصب اعلانات فاقد مجوز در سطح شهر بررسی و رسیدگی شوند.

صادرات ۲۰۰میلیون دلار اقلام پزشکی و دارویی به عراق

● **مهر:** رئیس ستاد برگزاری هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران‌هلت، گفت: درحال‌حاضر صادرات تجهیزات پزشکی به کشورهای منطقه، نسبت‌به گذشته بهتر شده است. دکتر حسین سلمان‌زاده در حاشیه گردهمایی دست‌اندرکاران حوزه تجهیزات پزشکی، به برگزاری هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات پزشکی، دندان‌پزشکی، دارویی و سلامت ایران‌هلت اشاره و اظهار کرد: نمایشگاه امسال از ۲۶ تا ۲۹ اردیبهشت‌ماه جاری، در ۱۲ سالن برپا می‌شود. رئیس ستاد برگزاری هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی ایران‌هلت، از احتمال حضور وزیر بهداشت ژاپن در افتتاحیه نمایشگاه خبر داد و افزود: وزیر بهداشت ژاپن به دعوت وزیر بهداشت کشورمان، به تهران می‌آید که اگر این سفر هم‌زمان با برپایی نمایشگاه باشد، در مراسم افتتاحیه، همراه با وزیر بهداشت کشورمان حاضر خواهد بود. سلمان‌زاده در ادامه به رویکرد این نمایشگاه، که صادرات محصولات ایرانی است، اشاره کرد و گفت: درحال‌حاضر وضعیت صادرات تجهیزات پزشکی از ایران به کشورهای منطقه، به‌عنوان بهترین بازار برای کسب درآمد، نسبت‌به گذشته بهتر شده است. به‌طوری‌که در سال گذشته تنها ۱۰ میلیون دلار تجهیزات پزشکی و دارویی به عراق صادر کرده بودیم، اما امسال تاکنون، بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار اقلام پزشکی و دارویی به این کشور صادرات داشته‌ایم. وی درعین‌حال به بازار افغانستان اشاره کرد و افزود: میزان صادرات ما به این کشور کم شده و دلیل آن هم، ارزان‌تربودن محصولات چینی است که جای محصولات باکیفیت ایرانی را در این کشور گرفته است.